

گزارش مرکز آمار درباره شاخص قیمت مصرف‌کننده در خردادماه چه می‌گوید؟

تقسیم نابرابر گرانی

روستاها، دهک‌های پایین و استان‌های کم‌برخوردار دور از پایتخت، بیشترین فشار تورم را تحمل کرده‌اند

۲



طرح: مجتبی علارزاده | پیام ما

روزنامه ساما

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۳۴ | یکشنبه ۷ تیر ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان

www.payama.ir

گزارش «پیام ما» از برخورد با زنان معترض به معدن طلا در سرسیاه تفتان

طلا، تفتان را تکه‌تکه کرد

اهالی روستاهای دامنه تفتان؛ سهم ما از معدن، گردوغبار خشکی باغ‌ها، تهدید و بی‌آبی است سوزن‌دو روی لباس زنان روستای سرسیاه تفتان، وقتی مأمور آنها را روی زمین پرت می‌کند، هم می‌درخشد. صدای فریاد در کوه تفتان و مادپتی می‌پیچد و تفتان با آن آتشفشان زنده‌اش، شاهدی است بر چندین سال تعارض محلی‌ها و کاوشگران طلا. صدای فریاد بالا می‌گیرد و صدای تهدیدهای دائم در روستا می‌پیچد: «از اینجا بیرون‌تان می‌کنیم»، «رد مرتزان می‌کنیم»، آنها هیچ‌کدام مهاجر نیستند و این برخوردها با یکی از زنان روستا و دخترهایش اتفاق افتاده؛ کسانی که سال‌هاست شاهد نابودی باغ‌هایشان بی‌آبی، گرد و غبار مداوم، تغییر راه رودها و از بین رفتن کوهی تاریخی بوده‌اند و معترض به فعالیت معدن طلا هستند طلایی که از آنجا برداشت می‌شود و آنچه نصیب مردمان محلی شده، سختی است.

۳

مسیر ناهموار احیای دریاچه ارومیه

مدیر دفتر برنامه‌ریزی ستاد احیا: تغییر الگوی کشت در حوضه دریاچه ارومیه تبعات اجتماعی به دنبال دارد. برای تغییر معیشت مردم باید در حوزه‌های دیگر سرمایه‌گذاری شود

۶

تاریخ، از زیر خاک به خیابان آمد

کمرزین اصفهان در آستانه تبدیل شدن به الگوی ملی برای نجات حافظه شهرهای ایران

۴

گذار از روایت‌سازی به حکمرانی داده‌محور

نگاهی به چشم‌انداز مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در سال ۲۰۲۶

۵

گروه تئاتر «اودین»

نهادسازی و اکوسیستم فرهنگی

۸

یادداشت

آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی در بایگانی

انازبلا حقیقتی | مشاور مسئولیت اجتماعی شرکتی

دیدگاه

در «سرجهان» تکه‌ای از وجود سوخت

امین سیفی | حافظنگرا

یادداشت

توتالیتاریسم و منابع طبیعی

معمولاً با بازطراحی سبک زندگی همراه است. این بازطراحی شامل نوع تولید، نوع مصرف و حتی الگوی سکونت می‌شود. در چنین شرایطی، تنوع سبک‌های زندگی محلی که طی زمان و در تعامل با محیط شکل گرفته‌اند، به عنوان مانعی در برابر برنامه‌ریزی مرکزی تلقی می‌شوند. نتیجه این فرایند، نوعی استانداردسازی اجباری در رفتارهای روزمره است؛ نوعی استانداردسازی‌ای که به طور غیرمستقیم بر نحوه استفاده از منابع طبیعی نیز اثر می‌گذارد.

به بیان ساده‌تر، وقتی شیوه زندگی یکسان می‌شود، شیوه تعامل با طبیعت نیز یکسان می‌شود؛ و این یکسان‌سازی، در بسیاری از موارد با ظرفیت واقعی سرزمین هم‌خوانی ندارد. از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های مشترک این نوع نظام‌های سیاسی، تمایل به پروژه‌های بزرگ و نمایشی است؛ پروژه‌هایی که در آن‌ها تسلط بر طبیعت به عنوان نمادی از قدرت سیاسی تلقی می‌شود. سدهای عظیم، تغییر مسیر رودخانه‌ها، توسعه‌های سریع کشاورزی و صنعتی، همگی در این چارچوب قابل فهم هستند.

در این نگاه، طبیعت نه یک سیستم زنده و خودتنظیم، بلکه یک مسئله مهندسی شده است که باید در خدمت اهداف کلان قرار گیرد. همین تغییر نگاه است که گاه به مداخلات گسترده و کم‌توجه به پیامدهای اکولوژیک منجر می‌شود. در برخی موارد تاریخی، این مداخلات در سطح تصمیم‌گیری‌های ایدئولوژیک نیز نمود پیدا کرده‌اند. برای نمونه، در چین دوران جهش بزرگ به جلو، تحت رهبری مائو تسه‌تونگ، برخی مداخلات مستقیم در زنجیره‌های طبیعی و کشاورزی انجام شد که پیامدهای پیش‌بینی‌نشده‌ای به همراه داشت.

این نمونه‌ها از آن جهت اهمیت دارند که نشان می‌دهند مسئله صرفاً «خطای مدیریتی» نیست، بلکه به نوعی نگاه به طبیعت و امکان‌پذیری کنترل کامل آن بازمی‌گردد.

با این حال، تأکید بر این نکته ضروری است که رابطه میان نظام‌های سیاسی و محیط‌زیست، رابطه‌ای تک‌علتی و ساده نیست. عوامل اقتصادی، فناوری، جمعیتی و اقلیمی نیز نقش تعیین‌کننده دارند. از این رو، هدف این نوشتار نه ارائه یک حکم کلی، بلکه طرح یک مسئله است؛ اینکه چگونه نوع خاصی از نظم سیاسی می‌تواند در تعامل با منابع طبیعی، الگوهای خاصی از فشار و تغییر ایجاد کند.

در ادامه به برخی بنیادهای فکری و نظام‌های باورمندی در این سیستم‌های سیاسی اشاره می‌شود:

۱- وقتی رودخانه باید فرمان ببرد

در آسیای مرکزی، یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های مهندسی آب در قرن بیستم اجرا شد. رودخانه‌ها برای توسعه کشت پنبه منحرف شدند و نتیجه، خشک شدن بخش بزرگی از دریاچه آرال بود.

دریاچه آرال امروز بیشتر شبیه یک خاطره جغرافیایی است تا یک پهنه آبی.

در اینجا مسئله فقط «اشتباه مهندسی» نبود؛ مسئله این بود

که رودخانه باید مطابق نقشه سیاسی جریان پیدا کند، نه مطابق منطق خودش.

۲- طبیعت به عنوان دشمن در چین دوران جهش بزرگ به جلو، حتی موجودات زنده نیز در چارچوب سیاست تعریف شدند. در یکی از معروف‌ترین کمپین‌ها، گنجشک‌ها به عنوان آفت معرفی و نابود شدند. نتیجه، برخلاف انتظار افزایش آفات و بحران غذایی بود. اینجا طبیعت نه شریک، بلکه رقیب تلقی شده بود؛ رقیبی که باید حذف شود.

۳- جنگل‌هایی که باید شبیه نقشه شوند در بسیاری از نظام‌های توتالیتار، جنگل، مرغ یا زمین کشاورزی باید «قابل اندازه‌گیری» و «قابل گزارش» شود. این یعنی تنوع زیستی و محلی، به تدریج جای خود را به الگوهای واحد می‌دهد؛ یک محصول، یک روش، یک هدف.

در این فرایند، آنچه از بین می‌رود فقط درخت یا خاک نیست؛ بلکه دانش محلی‌ای است که طی نسل‌ها با همان سرزمین شکل گرفته است.

۴- طبیعت به مثابه پروژه وجه مشترک بسیاری از این تجربه‌ها، وجود یک تصور ساده است؛ اینکه سرزمین را می‌توان مثل یک پروژه مهندسی اداره کرد.

سدهای عظیم، طرح‌های ملی کشاورزی، تغییر مسیر رودخانه‌ها و یکسان‌سازی شیوه زندگی، همگی از یک منطق پیروی می‌کنند؛ کاهش پیچیدگی برای افزایش کنترل.

۵- پیچیدگی مزاحم می‌شود در جایی که قدرت سیاسی تلاش می‌کند همه چیز را یک‌دست کند، طبیعت به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین نظام‌های جهان، دیر یا زود وارد تنش می‌شود. نه به این دلیل که طبیعت «مقاومت اخلاقی» دارد، بلکه به این دلیل ساده‌تر: طبیعت با تنوع کار می‌کند، نه با فرمان واحد.

شاید به همین دلیل است که هرچا «یک‌دست‌سازی کامل» به‌عنوان ایده مرکزی سیاست قرار می‌گیرد، سرزمین نیز ناخواسته وارد بحران‌های جدیدی می‌شود؛ بحران‌هایی که همیشه قابل پیش‌بینی نیستند، اما اغلب قابل توضیح‌اند.

۶- حذف خودسامانی هیچ چیز نباید خارج از طرح مرکزی رشد کند.

این جمله ساده، پیامدهای عمیقی دارد. چون جهان واقعی، دقیقاً برعکس کار می‌کند: با تنوع، با انحراف، با خودسازمان‌دهی. اما در احکام توتالیتار، اقتصاد باید یک طرح واحد داشته باشد، فرهنگ باید استاندارد شود، سبک زندگی باید قابل پیش‌بینی باشد و در نهایت، سرزمین باید قابل برنامه‌ریزی کامل باشد.

این نگاه، به‌طور طبیعی با منطق اکوسیستم‌ها و زیست‌بوم‌ها در تنش قرار می‌گیرد؛ چون اکوسیستم‌ها با مرکز فرماندهی واحد کار نمی‌کنند.

۷- وقتی سبک زندگی و معیشت سیاسی می‌شود یکی از مهم‌ترین اما کمتر دیده‌شده‌ترین ابعاد توتالیتاریسم، «سیاسی شدن سبک زندگی و کسب معیشت» است.

در این نظام‌ها، حکومت فقط نمی‌گوید چه کسی قدرت دارد؛ بلکه تعیین می‌کند چه چیزی کشت شود، چه چیزی خورده شود، چگونه خانه ساخته شود، چگونه گرمایش و سرمایش انجام شود و حتی انسان چگونه در فضا پرانده شود.

در این مرحله، سیاست مستقیماً وارد جغرافیای زندگی روزمره می‌شود.

مثلاً اگر تصمیم گرفته شود «کشور به خودکفایی گندم برسد»، نتیجه فقط یک سیاست اقتصادی نیست؛ بلکه تغییر کامل الگوی کشاورزی، تغییر تنوع زیستی و حتی تغییر رابطه انسان با خاک است.

در اینجا یک پارامتر قوی وارد معادلات می‌شود: تنوع اقلیمی و محلی، به‌عنوان مانع دیده می‌شود، نه سرمایه.

۸- تفاوت منطق اکوسیستم‌ها، جوامع انسانی و سرزمین‌ها بر پایه سه اصل کار می‌کنند:

تنوع اقلیمی و محلی، به‌عنوان مانع دیده می‌شود، نه سرمایه.

۹- حذف دانش محلی: خسارت نامرئی یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تضاد، حذف تدریجی «دانش محلی» است.

دانش محلی یعنی همان چیزی که باعث می‌شود کشاورز بداند چه چیزی در چه خاکی بهتر رشد می‌کند، دامدار بداند چه زمانی چراگاه باید استراحت کند و یک جامعه بداند چگونه با محدودیت‌های اقلیمی خود سازگار شود.

در پروژه‌های یکسان‌سازی، این دانش جای خود را به نسخه‌های عمومی می‌دهد؛ نسخه‌هایی که از مرکز صادر می‌شوند.

این دو منطق به‌طور طبیعی با هم در تضادند.

۹- حذف دانش محلی: خسارت نامرئی یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تضاد، حذف تدریجی «دانش محلی» است.

دانش محلی یعنی همان چیزی که باعث می‌شود کشاورز بداند چه چیزی در چه خاکی بهتر رشد می‌کند، دامدار بداند چه زمانی چراگاه باید استراحت کند و یک جامعه بداند چگونه با محدودیت‌های اقلیمی خود سازگار شود.

در پروژه‌های یکسان‌سازی، این دانش جای خود را به نسخه‌های عمومی می‌دهد؛ نسخه‌هایی که از مرکز صادر می‌شوند.

این دو منطق به‌طور طبیعی با هم در تضادند.

۹- حذف دانش محلی: خسارت نامرئی یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تضاد، حذف تدریجی «دانش محلی» است.

دانش محلی یعنی همان چیزی که باعث می‌شود کشاورز بداند چه چیزی در چه خاکی بهتر رشد می‌کند، دامدار بداند چه زمانی چراگاه باید استراحت کند و یک جامعه بداند چگونه با محدودیت‌های اقلیمی خود سازگار شود.

در پروژه‌های یکسان‌سازی، این دانش جای خود را به نسخه‌های عمومی می‌دهد؛ نسخه‌هایی که از مرکز صادر می‌شوند.

این دو منطق به‌طور طبیعی با هم در تضادند.

تجربه کرد. خمرهای سرخ با هدف بازسازی کامل جامعه بر پایه کشاورزی اجباری و حذف ساختارهای پیشین، جمعیت شهری را به روستاها منتقل کردند و نظام تولید را به شکل بسیار ساده و کنترل‌شده‌ای درآوردند. این تغییر ناگهانی در الگوی زیست، نه‌تنها ساختار اجتماعی، بلکه رابطه انسان با زمین را نیز به‌طور بنیادین دگرگون کرد؛ رابطه‌ای که دیگر بر پایه تنوع و سازگاری تدریجی نبود، بلکه بر پایه اجبار و یکسان‌سازی استوار شده بود.

در همین چارچوب، می‌توان به رومانی در دوران نیکولای چائوشسکو نیز اشاره کرد. نیکولای چائوشسکو در تلاش برای نمایش قدرت دولت و تحقق برنامه‌های خودکفایی، پروژه‌های گسترده‌ای در حوزه کشاورزی، شهرسازی و مدیریت منابع به اجرا گذاشت. در این دوره، سیاست‌های کلان اقتصادی و کشاورزی با تمرکز شدید تصمیم‌گیری همراه بود؛ به‌گونه‌ای که الگوهای محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

در سطح سرزمینی، این رویکرد به فشار بر زمین‌های کشاورزی، تغییر الگوهای سنتی بهره‌برداری از خاک و آب و گسترش پروژه‌های بزرگ‌مقیاس انجامید؛ پروژه‌هایی که بیش از آنکه بر محلی تولید و تفاوت‌های منطقه‌ای به تدریج در قالب برنامه‌های سراسری ادغام شدند.

- در حکومت‌های توتالیتار منابع طبیعی
- نه بخشی از سامانه‌ای پیچیده و متنوع بلکه «ظرفیت‌های قابل تخصیص مرکزی» دیده می‌شوند
- ظرفیتی که باید در خدمت یک برنامه واحد ملی قرار گیرد

- وقتی نظم سیاسی به سمت حذف تفاوت‌ها استانداردسازی
- شیوه‌های زندگی و تمرکز شدید تصمیم‌گیری حرکت می‌کنند
- سرزمین نیز ناگزیر در معرض نوعی فشرده‌نگی قرار می‌گیرد
- واکولوژیک قرار می‌گیرد

گزارش «پیام ما» از برخورد با زنان معترض به معدن طلا در سرسیاه تفتان

طلا، تفتان را تکه‌تکه کرد

اهالی روستاهای دامنه تفتان می‌گویند سهمشان از معدن، گردوغبار، خشکی باغ‌ها، تهدیدوبی‌آبی بوده‌است



شبکه‌های اجتماعی | (ت)



افروغ فکری ا

اروزنامه‌نگارا

این نخستین بار نیست که «بی‌بی‌نور» مقابل ماشین‌های معدن و معدنکاران ایستاده، این‌بار اما ماجرا فرق می‌کرد؛ نیروی نظامی به منطقه آمد، به او و چند دخترش حمله برد، آنها را بر زمین پرت کرد و تهدیدشان کرد. او حالا از آن روز به ما می‌گوید: «هیچ جمعی در کار نبود. من رتعم و گفتم ماشین‌هایتان که روزی چند بار از کنار روستا می‌روند، زندگی را بر ما حرام کرده، کمی آب بیاشید تا گرد و غبار رفت‌وآمده‌تان بخوابد، اما ناگهان همه چیز عوض شد.»

او هنوز نمی‌داند این میزان از خشونت چرا نسبت به او و دخترانش اتفاق افتاده، نمی‌داند چه کسی با نیروی نظامی تماس گرفته و چرا مأموران نیروی نظامی این‌طور با آنها برخورد کرده‌اند: «من هفت دختر دارم. چند دخترم برای دفاع از من به آنجا آمدند، یکی از آنها از آن روز حالش خراب است، آمدن خون‌دماغ می‌شود. ترسیده. همین الان می‌خواهم ببرمش پیش دکتر. این چه زندگی‌ای است برایمان ساختند؟»

به او تهمت زده‌اند و گفته‌اند رد مرزش می‌کنند، در حالی که او و اجدادش در این خاک زیسته‌اند؛ «به من گفتند یک جوری می‌زییم در کوه که کر شوی. این چه حرفی است؟ چرا هیچ‌کس صدای بدبختی ما را نمی‌شنود؟ مگر ما چه خواستیم؟ ما زندگی روستایی‌مان را می‌خواهیم. باغ‌هایمان، دام‌هایمان آب لازم دارند. معدن همه جا را خشک کرده است.» آنها پیش از این هم بارها به ادارات مختلف رفته‌اند و تلاش کرده‌اند مسئولانی را ببینند که فکری به حال زندگی‌شان کنند، اما این رفت‌وآمدها نتیجه‌ای نداشته و حالا در نامه‌ای که بی‌بی‌نور و جمعی از زنان روستا نوشته‌اند، مستولان نوشته‌اند و برای «پیام ما» ارسال شده، آورده‌اند: «ما روستاییان همان کودکانی هستیم که در دامان همین کویر بزرگ شده‌ایم. چیزی

| دیدگاه |

در «سرچهان»، تکه‌ای از وجودم سوخت



| امین سیفی ا

|مخاطب‌نگارا

سال‌هایی‌که زمستان پرپراش‌تری‌را پشت سرمی‌گذاریم، طبیعت در بهار جانی دوباره می‌گیرد. رویش فراوان گیاهان، سرسبزی دشت‌ها و مراتع و افزایش منابع آبی، خبر خوبی برای کشاورزان، دامداران و دوستداران طبیعت است. اما همین نعمت در تابستان می‌تواند به تهدیدی جدی تبدیل شود؛ پوشش گیاهی انبوهی که در بهار رشد کرده، در ماه‌های گرم به سوختی آماده برای گسترش آتش‌سوزی‌ها بدل می‌شود.

آتش‌سوزی‌های طبیعت در ایران عمدتاً منشا انسانی دارند. یک آتش خاموش‌نشده پس از گردش در طبیعت، بی‌احتیاطی هنگام تهیه غذا یا حتی آتش‌افروزی‌های عمدی، می‌تواند در مدت کوتاهی بخشی از پوشش گیاهی را نابود کند؛ پوششی که گاه سال‌ها زمان برای شکل‌گیری آن صرف شده است.

چندی پیش شاهد آتش‌سوزی در نزدیکی شهر حسامی در شهرستان سرچجان بودم. خوشبختانه محل شروع حریق در منطقه‌ای بونه‌ای قرار داشت و همین موضوع مهار آن را آسان‌تر کرد. حضور نیروهای آتش‌نشانی، منابع طبیعی، محیط زیست و مهم‌تر از همه، مردم محلی باعث شد با وجود وزش باد شدید، آتش به مناطق وسیع‌تر سرایت نکند. تا پیش از این، هر بار خبر آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع را می‌شنیدم، احساس ناراحتی و نگرانی می‌کردم. اما حضور در صحنه آتش‌سوزی حسامی تجربه‌ای متفاوت بود. از‌دور، آتش‌سوزی یک خبر تلخ است؛ اما از نزدیک، ماجرا شکل دیگری پیدا می‌کند. وقتی شعله‌ها را می‌بینی که پیش‌روی پیشروی می‌کنند، می‌دانی هر بوته و درختی که می‌سوزد، حاصل سال‌ها رشد در این سرزمین

محیط‌زیست

محیط‌زیست

محیط‌زیست

گرد و غبار در این منطقه، برخلاف سایر نقاط استان، جایی نداشته و باغ‌های میوه، دشت را پوشانده‌اند؛ همان باغ‌هایی که در دهه اخیر، راه خشکی به خاطر فعالیت معدنی به آنها باز شده و دیدن این وضعیت، غمی است بر غم مردم منطقه. «یاسر کرد»، فعال اجتماعی در تفتان، صدایش می‌لرزد وقتی از خشکی باغ‌های زردآلو می‌گوید؛ وقتی به رودهایی اشاره می‌کند که دیگر از کوه نمی‌آیند و به آب‌های زیرزمینی‌ای که انفجارهای ممتد راهشان را عوض کرده است: «ما این غم را به که بگوییم؟ چقدر شکایت کنیم؟ چقدر تجمع کنیم و با بدترین شکل برخورد کنند؟ باغ زردآلوی من میوه ندارد. چه کسی پاسخگوست؟ انفجارها راه قنات‌ها و آب‌های زیرزمینی را بسته و تغییر داده. همه چیز در حال نابودی است.»

مداخلات انسانی، آن‌طور که یاسر می‌گوید، در دهه هفتاد و با کارخانه‌های سیمان شروع شد. کارخانه‌های سیمان در تفتان و خاش و سیستان به راه افتادند، اما چون در پایین‌دست کوه بودند، تأثیرشان بر کوهستان و زیست مردم بالادست کمتر بود: «بعدها کاوش برای برداشت طلا شروع شد. رگه‌ها را پیدا کردند و تا عمق نفوذ کردند. کوه تفتان را تکه‌تکه کرده و باطله‌های معدنی را رها کرده‌اند. یکی دو روستا هم کارگاه فرآوری طلاست که آلودگی‌اش همه جا را گرفته.»

آنها در سال‌های اخیر با رشد بیماری‌های مختلف، از جمله سرطان، روبه‌رو شده‌اند. تعداد کسانی که درگیر مریضی شده‌اند بالا بوده و آنها بعد از زخمی که کوه و طبیعت خورد، حالا نگران زخم بیماری‌اند: «نگرانی دیگر ما آتشفشان نیمه‌فعال تفتان است. کوه زنده است و ممکن است با این حجم از فعالیت دهان باز کند و مواد مذاب بیرون بریزد، ما مدام بوی گوگرد می‌شنویم.»

❗ تا جایی که بتوانیم نظارت می‌کنیم

منطقه‌ای که در آن معدنکاری در جریان است، جزو مناطق حفاظت‌شده استان سیستان و بلوچستان نیست، اما محلی‌ها بارها برای تخریب‌های انجام‌گرفته و نابودی آب و خاک و هوا به اداره محیط زیست رفته‌اند؛ هرچند آنجا هم کاری از پیش نبرده‌اند. حالا «الهام آبتین»، رئیس اداره محیط زیست سیستان و بلوچستان، به «پیام ما» می‌گوید این معدن مجوز دارند، اما نتوانسته‌اند تعارضاتشان را با محلی‌ها حل کنند: «توصیه از ابتدا این بوده که معدنکاران به خواست جامعه محلی توجه کنند، بر اساس مسئولیت اجتماعی عمل کرده و برای مردم منطقه امکانات و شغل فراهم کنند. اما در کنار این موارد، موضوع آلودگی آب، خاک و هوا و همچنین انفجارهای مدام و حمل‌ونقل مواد معدنی هم مطرح است. ما تا جایی که در توانمان باشد بر این امر نظارت داریم.» آبتین می‌گوید در حال حاضر ضوابط محیط‌زیستی فواصل رعایت شده که نتوانسته‌اند مجوز بگیرند، اما تعارض اصلی که میان جامعه محلی و معدن است، حل نشده و این مشکل بزرگی است.

«فرشاد فریدی»، فرماندار تفتان، هم در روزهای گذشته به ایرنا گفته بود که تمامی ابعاد ماجرا از سوی دستگاه‌های مسئول مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت اثبات هرگونه تخلف، برخورد قانونی صورت خواهد گرفت؛ «مسیر قانونی بهترین راه برای پیگیری مطالبات است و دستگاه‌های اجرایی شهرستان آماده دریافت و بررسی خواسته‌های مردم هستند.» نماینده مجلس، استاندار و فرماندار هرکدام بعد از اعتراضات اخیر صحبت کردند و هرکدام وعده تغییر و همراهی دادند، اما محلی‌ها معتقدند مانند گذشته این وعده‌ها فراموش می‌شود. تفتان زیر بار طلایح است. از آن برداشت می‌شود مدفون می‌شود و آنچه از منطقه باقی خواهد ماند، سدهای باطله، گرد و غبار و نابودی باغ‌هایی است که قرن‌ها اطراف کوه تاریخی جا خوش کرده بودند.

| خبر |

ابلاغ شیوه‌نامه بهره‌گیری از نمادها و مؤلفه‌های مرتبط با حیات‌وحش

معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان

حفاظت محیط‌زیست از تدوین و ابلاغ شیوه‌نامه

بهره‌گیری از نمادها و مؤلفه‌های مرتبط با حیات‌وحش خبر داد و این اقدام را گامی مهم در طی ساماندهی استفاده از ظرفیت‌های تنوع زیستی، حمایت از گونه‌های جانوری و توسعه مشارکت بخش خصوصی در حفاظت از طبیعت دانست.

به گزارش روابط عمومی سازمان حفاظت محیط‌زیست، حمید ظهرابی با اشاره به اختیارات و تکالیف قانونی این سازمان در آیین‌نامه مشارکت در حفظ محیط‌زیست طبیعی و رونق کسب‌وکارهای محیط‌زیستی، مصوب هیئت وزیران، اظهار کرد:

سازمان حفاظت محیط‌زیست مجاز است نسبت به ساماندهی و مدیریت بهره‌برداری از ظرفیت‌ها، نمادها و مؤلفه‌های مرتبط با حیات‌وحش و تنوع زیستی کشور اقدام کند.

او افزود: در همین راستا، شیوه‌نامه بهره‌گیری از نمادها و مؤلفه‌های مرتبط با حیات‌وحش تدوین و به ادارات کل حفاظت محیط‌زیست استان‌ها ابلاغ شده است. هدف از تدوین این شیوه‌نامه، تبیین چارچوب‌ها، ضوابط و فرآیندهای لازم برای استفاده از این ظرفیت‌ها در فعالیت‌های تجاری، تبلیغاتی و اقتصادی است.

ظهرابی با تأکید بر اینکه حیات‌وحش بخشی از سرمایه‌های ملی و میراث طبیعی کشور به شمار می‌رود، گفت: سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان متولی قانونی حفاظت و مدیریت جانوران وحشی و آبزیان آب‌های داخلی، مسئولیت صیانت از حقوق مادی و معنوی این سرمایه‌های ارزشمند را بر عهده دارد. از این‌رو، هرگونه استفاده از نمادها، تصاویر نام‌ها، شعارها و سایر مؤلفه‌های مرتبط با حیات‌وحش در فعالیت‌های اقتصادی، صرفاً در کنار اعتبارات چارچوب مقررات و با اخذ مجوزهای لازم از سازمان

| خبر |

زنگ خطر بیابان‌زایی در خراسان رضوی

دانشیار و عضو گروه پژوهشی خشکسالی و تغییر اقلیم دانشگاه بیرجند، با استناد به نتایج مقالات علمی و گزارش‌های رسمی اخیر، وضعیت بیابان‌زایی در استان خراسان رضوی را بحرانی توصیف کرد و گفت: در حال حاضر حدود ۷۲ درصد از مساحت این استان را مناطق بیابانی تشکیل می‌دهند.

به گزارش ایسنا، هادی معماریان افزود: بر اساس مطالعات انجام‌شده با استفاده از مدل‌های ایرانی (IMDPA) و مدل‌های بین‌المللی، شدت بیابان‌زایی در بیشتر مناطق خراسان رضوی در طبقه «شدید» قرار دارد.

او با اشاره به وسعت مناطق تحت تأثیر فرسایش بادی اظهار کرد: حدود ۴.۲ میلیون هکتار از اراضی استان تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته‌اند که از این میزان، ۱.۴ میلیون هکتار در زمره کانون‌های بحرانی فرسایش بادی قرار دارند و ۳۰۵ هزار هکتار نیز به‌عنوان کانون‌های فوق‌بحرانی، منشأ مستقیم طوفان‌های گردوغبار هستند.

این عضو گروه پژوهشی خشکسالی و تغییر اقلیم دانشگاه بیرجند، درباره مهم‌ترین کانون‌های بحرانی استان از نظر وسعت و شدت گردوغبار گفت: دشت گناباد-بجستان، با حدود ۳۳۲ هزار هکتار وسعت، یکی از فعال‌ترین کانون‌های فرسایش بادی شرق کشور به شمار می‌رود و میزان فرسایش خاک در برخی نقاط آن به ۳۵ تن در هکتار در سال می‌رسد. همچنین در منطقه سرخس، با حدود ۴۲۰ هزار هکتار اراضی بیابانی، مهم‌ترین چالش، ماسه‌های روان و تپه‌های شنی فعال، عمدتاً از نوع بارخان، است که سالانه با سرعت ۱۰ تا ۱۵ متر به سمت تأسیسات شهری و روستایی پیشروی می‌کنند.

معماریان با اشاره به عوامل ایجادکننده این بحران افزود: مطالعات علمی نشان می‌دهد ریشه بیابان‌زایی در خراسان رضوی، حاصل ترکیبی از عوامل طبیعی و انسانی است، اما سهم عوامل انسانی در تشدید این بحران، بین ۶۰ تا ۷۰ درصد برآورد می‌شود.

این استاد دانشگاه با تشریح ابعاد بحران بیابان‌زایی در استان، ضمن بررسی وضعیت کنونی، به عوامل ریشه‌ای و چشم‌انداز آینده خراسان رضوی پرداخت و درباره نقش تغییر اقلیم و خشکسالی گفت: میانگین بارش بلندمدت استان حدود ۲۱۰ میلی‌متر است، اما طی دو دهه اخیر، بین ۱۵ تا ۲۰ درصد کاهش یافته است.

او افزود: نتایج مدل‌های سری زمانی نشان می‌دهد با کاهش هر یک میلی‌متر بارندگی، وسعت پوشش گیاهی مراتع بیابانی استان حدود ۰.۷ درصد کاهش می‌یابد. همچنین افزایش ۱.۲ درجه‌ای میانگین دمای استان، میزان تبخیر و تعرق را به حدود ۲۵۰ میلی‌متر در سال رسانده که بیش از ۱۰ برابر میانگین بارندگی است.

معماریان بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب را مهم‌ترین عامل انسانی تشدیدکننده این بحران دانست و گفت: برداشت سالانه از سفره‌های زیرزمینی استان، حدود ۱.۲ میلیارد مترمکعب بیش از میزان تغذیه طبیعی آن‌هاست. در نتیجه، از مجموع ۳۷ دشت استان، ۳۴ دشت در وضعیت ممنوعه یا ممنوعه بحرانی قرار گرفته‌اند.

او ادامه داد: افت میانگین سطح آب در دشت مشهد به ۲۵ متر و در دشت نیشابور به ۱۲ متر رسیده که پیامد آن، خشک شدن بسیاری از قنات‌ و چاه‌های کم‌عمق است. همچنین به دنبال افت سطح آب‌های زیرزمینی، وسعت اراضی شور و شورزار سالانه حدود ۲۰۰۰ هکتار افزایش می‌یابد.

این پژوهشگر تغییر اقلیم، تغییر کاربری اراضی را سومین عامل تشدید بحران عنوان کرد و گفت: تبدیل مراتع فقیر به دیم‌زارهای کم‌بازده و گسترش اراضی کشاورزی در حاشیه کانون‌های بحرانی، آسیب‌های جدی به اکوسیستم وارد کرده است؛ به‌گونه‌ای که تخریب پوشش گیاهی مراتع با تراکم کمتر از ۰۱ درصد، سرعت آستانه آغاز فرسایش بادی را از ۶.۵ متر بر ثانیه به چهار متر بر ثانیه کاهش داده است.

معماریان هشدار داد: انتظار می‌رود تعداد روزهای همراه با گردوغبار شدید، با دید افقی کمتر از هزار متر، از میانگین فعلی ۴۰ روز به ۶۰ تا ۷۰ روز در سال افزایش یابد و شهرهای مشهد و سبزوار بیشترین تأثیر را از این وضعیت بپذیرند.

او افزود: بیشترین نرخ پیشروی بیابان در حاشیه غربی دشت مشهد-قوچان و دشت جوین-اسفراین رخ خواهد داد؛ مناطقی که مراتع تخریب‌شده آن‌ها قابلیت بازگشت طبیعی خود را از دست داده‌اند.

عضو گروه پژوهشی خشکسالی و تغییر اقلیم دانشگاه بیرجند، در ارزیابی عملکرد پروژه‌های اجرایی سازمان منابع طبیعی نیز گفت: این پروژه‌ها اگرچه دستاوردهایی داشته‌اند، اما عمدتاً به‌صورت نقطه‌ای و با رویکرد تفაციی اجرا شده‌اند و نتوانسته‌اند روند کلی بیابان‌زایی را معکوس کنند.

آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی در بایگانی

یک سال پس از ابلاغ آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های دولتی اهداف پیش‌بینی‌شده هنوز محقق نشده‌اند



تصویر:

حمایتی در مناطق پیرامونی. اما یک پرسش همواره پابرجا بوده است؛ چه کسی تصمیم می‌گیرد این منابع کجا هزینه شوند؟ بر چه اساسی؟ با چه میزان شفافیت؟ و مهم‌تر از همه، چه کسی اثربخشی این هزینه‌ها را ارزیابی می‌کند؟

آیین‌نامه اجرایی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های دولتی که مردادماه سال گذشته به تصویب هیئت وزیران رسید، قرار بود پاسخی به همین پرسش‌ها باشد؛ سندی که هدف آن صرفاً تخصیص منابع نبود، بلکه تلاش می‌کرد برای نخستین بار نوعی نظام حکمرانی برمنابع مسئولیت‌اجتماعی ایجاد کند.

این آیین‌نامه از جهات مختلف واجد اهمیت بود. شفافیت اطلاعات، گزارش‌دهی عمومی، نظارت استانی، ارزیابی عملکرد،

یادداشت

نگاهی به چشم‌انداز مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها در سال ۲۰۲۶

گذار از روایت‌سازی به حکمرانی داده‌محور

تبدیل شده‌اند. در کشورهایی مانندآلمان، فرانسه وکشورهای اسکاندیناوی، شرکت‌ها ناچارند اثرات زیست‌محیطی واجتماعی خود را با جزئیات دقیق وقابل راستی‌آزمایی منتشر کنند. همین سخت‌گیری نهادی باعث شده فضای جدیدی در رفتار شرکت‌ها شکل بگیرد. بسیاری از بنگا‌ها دیگر تمایل ندارند درباره اقدامات پایداری خود با ادبیات تبلیغاتی صحبت کنند، زیرا هر ادعای غیرقابل اثبات می‌تواند به ریسک اعتباری تبدیل شود. در نتیجه، نوعی احتیاط ارتباطی شکل گرفته که در ادبیات جدید با عنوان «greenhushing» شناخته می‌شود؛ یعنی سکوت یا حداقل‌سازی اطلاع‌رسانی درباره اقدامات زیست‌محیطی. در چنین فضایی، CSR در اروپا از مرحله «روایت‌سازی عمومی» عبور کرده و وارد مرحله‌ای شده که در آن «داده» و «قابلیت راستی‌آزمایی» اهمیت اصلی را دارد.

آمریکای شمالی؛ میان فشار بازار و شفاف‌سازی

در ایالات متحده و کانادا، مسیر CSR پیچیده‌تر و چندلایه‌تر است. در آمریکا، مسئله ESG و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به

سنجش اثربخشی و توجه به نیازهای واقعی مناطق، همگی مفاهیمی بودند که در متن آن دیده می‌شدند. در واقع قانون‌گذار تلاش کرده بود مسئولیت اجتماعی را از مجموعه‌ای از اقدامات پرکننده و بعضاً سلیقه‌ای، به فرآیندی برنامه‌ریزی‌شده، پاسخگو و قابل ارزیابی تبدیل کند.

اکنون اما نزدیک به یک سال از ابلاغ این آیین‌نامه گذشته و این پرسش بیش از هر زمان دیگری مطرح است که چه میزان از اهداف پیش‌بینی‌شده در آن به مرحله اجرا رسیده‌اند؟

کشفایتی که هنوز دیده نمی‌شود

یکی از مهم‌ترین نفاویری‌های آیین‌نامه در ماده ۹ پیش‌بینی شده بود؛ جایی که سازمان برنامه و بودجه مکلف شد سامانه‌ای برای ثبت، انتشار و پایش اطلاعات مربوط به منابع و پروژه‌های مسئولیت اجتماعی ایجاد کند. اهمیت این ماده صرفاً در راندازی یک سامانه اداری نبود. فلسفه وجودی آن، پایان دادن به وضعیتی بود که در آن اطلاعات مربوط به منابع، پروژه‌ها، پیمانکاران، مناطق هدف و نتایج اجرا، در دستگاه‌های مختلف پراکنده باقی می‌ماند و امکان نظارت عمومی بر آن‌ها وجود نداشت. با این حال، پس از گذشت نزدیک به یک سال، هنوز دسترسی جامع و نظام‌مند به اطلاعات پروژه‌ها و منابع مسئولیت اجتماعی فراهم نشده است. به همین دلیل، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای پیش‌بینی‌شده برای شفافیت و پاسخگویی هنوز نتوانسته نقش مورد انتظار خود را ایفا کند. این در حالی است که در تجربه‌های موفق جهانی، شفافیت نه آخرین حلقه زنجیره مسئولیت اجتماعی، بلکه نخستین گام آن محسوب می‌شود. تا زمانی که اطلاعات در دسترس نباشد، نه امکان نظارت عمومی وجود دارد و نه می‌توان درباره اثربخشی سیاست‌ها قضاوت کرد.

وقتی ارزیابی به حلقه مفقوده تبدیل می‌شود

در ماده ۸ آیین‌نامه، سازمان برنامه و بودجه موظف شده است گزارش‌های ارزیابی عملکرد و نتایج اجرای برنامه‌ها را تهیه و منتشر کند. در نگاه سنتی، موفقیت یک پروژه با میزان هزینه‌کرد آن سنجیده می‌شود؛ اما در ادبیات جدید توسعه، معیار اصلی، تغییراتی است که در زندگی مردم ایجاد می‌شود. اینکه چند میلیارد تومان هزینه شده، به‌تنهایی ارزش تحلیلی ندارد. پرسش مهم‌تر آن است که این هزینه‌ها چه تغییری در کیفیت آموزش، دسترسی به خدمات سلامت، توانمندسازی

یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز سیاسی تبدیل شده است. بخشی از ساختار سیاسی آن را نوعی مداخله در منطق بازار می‌داند، در حالی که بخش دیگری آن را شرط لازم برای رقابت در اقتصاد جهانی تلقی می‌کند.

با وجود این دوگانگی، عامل تعیین‌کننده همچنان بازار سرمایه است. شرکت‌های بزرگ آمریکایی، تحت فشار سرمایه‌گذاران نهادی و زنجیره‌های تأمین جهانی، ناچارند استانداردهای CSR را رعایت کنند، حتی اگر در سطح سیاست داخلی اجماع روشنی وجود نداشته باشد. در کانادا اما وضعیت ثبات‌تر است و رویکردی نزدیک‌تر به اروپا در زمینه شفافیت و گزارش‌دهی زیست‌محیطی دیده می‌شود. این تفاوت نشان می‌دهد که CSR حتی در یک قاره واحد نیز تحت تأثیر ساختار سیاسی و نهادی کشورها، شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد.

آسیا؛ توسعه سریع در کنار راهمگونی ساختاری

در آسیا، CSR با سرعتی قابل توجه در حال گسترش است. اما این رشد کاملاً نامتوازن است. در کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی، شرکت‌های بزرگ سال‌هاست که با استانداردهای جهانی ESG همگرا شده‌اند و اکنون تمرکز آن‌ها بر بهبود کیفیت اجرا و اثرگذاری واقعی است. در مقابل، در بسیاری از اقتصادهای نوظهور آسیایی، CSR هنوز بیشتر در قالب فعالیت‌های پرکننده اجتماعی یا خیریه‌ای دیده می‌شود تا یک

اقتصادی یا کیفیت زندگی جوامع محلی ایجاد کرده‌اند. با وجود این، هنوز گزارش‌های عمومی و مستندی که بتوانند تصویری روشن از میزان موفقیت یا ناکامی پروژه‌های مسئولیت اجتماعی ارائه دهد، در دسترس نیست. نبود دیدگاه ارزیابی‌هایی موجب شده امکان یادگیری نهادی، اصلاح سیاست‌ها و حتی مقایسه عملکرد شرکت‌ها و دستگاه‌ها محدود باقی بماند. در نتیجه، مسئولیت اجتماعی همچنان بیشتر بر مبنای «آنچه انجام شده» روایت می‌شود تا «آنچه حاصل شده است».

توسعه محلی؛ هدفی که هنوز محقق نشده است

شاید مهم‌ترین تحول آیین‌نامه در ماده ۵ نهفته باشد؛ جایی که تأکید می‌شود برنامه‌های مسئولیت اجتماعی باید مبتنی بر نیازهای محلی، اولویت‌های توسعه‌ای مناطق و نظر نهادهای استانی تدوین شوند. این ماده در ظاهر یک حکم اجرایی ساده است، اما در واقع یکی از بنیادی‌ترین اصول حکمرانی توسعه را پاتاب می‌دهد: هیچ منطقه‌ای بهتر از خود آن منطقه، مسائل و نیازهایش را نمی‌شناسد. هدف آن بود که منابع مسئولیت اجتماعی از تصمیم‌گیری‌های صرفاً متمرکز فاصله گرفته و در مسیر حل مسائل واقعی مناطق قرار گیرند؛ مسائلی که ممکن است از استانی به استان دیگر تفاوت داشته باشند.

اما مرور روندهای اجرایی نشان می‌دهد هنوز در بسیاری از موارد، پیوند روشنی میان پروژه‌های اجرایشده و اولویت‌های توسعه‌ای مناطق مشاهده نمی‌شود. بخشی از ظرفیت مسئولیت اجتماعی همچنان صرف پروژه‌هایی می‌شود که گرچه ممکن است ارزشمند باشند، اما الزاماً در چارچوب یک برنامه توسعه‌ای منسجم تعریف نشده‌اند.

این وضعیت سبب شده مسئولیت اجتماعی در برخی موارد بیشتر به مجموعه‌ای از پروژه‌های منفرد شباهت داشته باشد تا یک راهبرد توسعه‌ای پایدار

مسئولیت اجتماعی بدون سنجش اثر

ماده ۱۰ آیین‌نامه نیز بر انتشار گزارش‌های ارزیابی اثربخشی پروژه‌ها تأکید دارد؛ موضوعی که شاید مهم‌ترین بخش مفغول توسعه سیاست‌های مسئولیت اجتماعی کشور باشد. تفاوت میان «اجرا» و «اثر» دقیقاً در همین نقطه آشکار می‌شود. ممکن است پروژه‌ای به‌طور کامل اجرا شود و بودجه آن نیز هزینه شده باشد، اما اثر اجتماعی مورد انتظار را ایجاد نکند. در

روزنامه

مقابل، پروژه‌ای کوچک‌تر می‌تواند تغییری پایدار و عمیق در یک جامعه محلی به وجود آورد.

تا زمانی که سنجش اثربخشی به بخشی جدایی‌ناپذیر از چرخه مسئولیت اجتماعی تبدیل نشود، امکان تشخیص موفقیت یا شکست پروژه‌ها وجود نخواهد داشت. در چنین شرایطی، تخصیص منابع بیشتر نیز الزاماً به توسعه بیشتر منجر نمی‌شود.

مسئله، کمبود منابع نیست

کمتر کارشناسی امروز معتقد است که مشکل اصلی مسئولیت اجتماعی در ایران، کمبود منابع مالی است. ظرفیت پیش‌بینی‌شده در آیین‌نامه، ظرفیتی قابل توجه است؛ ظرفیتی که می‌تواند در حوزه‌هایی مانند آموزش، سلامت، توانمندسازی اقتصادی، محیط‌زیست، توسعه زیرساخت‌های عمومی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای نقش آفرین باشد. چالش اصلی درجای دیگری قرار دارد؛ در نحوه حکمرانی بر این منابع. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد منابع مالی زمانی به توسعه پایدار منجر می‌شوند که سه عنصر در کنار هم قرار گیرند: شفافیت، مشارکت و ارزیابی. شفافیت برای پاسخگویی، مشارکت برای شناخت نیازهای واقعی و ارزیابی برای اطمینان از اثربخشی. هرگاه یکی از این سه ضلع غایب باشد، منابع هرچقدر هم بزرگ باشند، اثرگذاری آن‌ها محدود خواهد شد.

فاصله‌ای که باید جدی گرفته شود

یک سال پس از ابلاغ آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های دولتی، مسئله اصلی فقدان قانون نیست؛ بلکه فاصله میان اهداف پیش‌بینی‌شده در قانون و واقعیت اجرایی آن است.

از سامانه شفافیت موضوع ماده ۹ گرفته تا نظام ارزیابی مندرج در مواد ۸ و ۱۰ و همچنین سازوکار برنامه‌ریزی محلی ماده ۵، هنوز شکافی محسوس میان آیین‌روی کاغذ نوشته شده و آنچه در میدان عمل رخ می‌دهد وجود دارد. شاید مهم‌ترین آزمون این آیین‌نامه در سال دوم اجرایی آن رقم بخورد؛ زمانی که انتظار می‌رود تمرکز از تدوین قواعد، به سمت اجرای قواعد حرکت کند. زیرت توسعه محلی بیش از آنکه به قوانین جدید نیاز داشته باشد، به اجرای دقیق همان قوانینی نیاز دارد که پیش‌تر تصویب شده‌اند. آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی نیز اگر قرار است به ابزاری برای توسعه پایدار تبدیل شود، باید از قفسه‌های بایگانی خارج شده و در میدان عمل سنجیده شود؛ جایی که سزوشود واقعی هر سیاست عمومی تعیین می‌شود.

اقتصادی نقش داشته باشد.

تغییر پارادایم جهانی؛ از تصویب‌سازی تا سنجش پذیری

با وجود همه تفاوت‌های منطقه‌ای، یک روند مشترک در جهان امروز قابل مشاهده است. گذار از CSR به تبلیغاتی به داده‌محور در گذشته، گزارش‌های مسئولیت اجتماعی اغلب نقشی تصویری داشتند و برای بهبود برند منتشر می‌شدند، اما در سال ۲۰۲۶ این رویکرد تحت فشار نهادهای نظارتی، رسانه‌ها و ابزارهای تحلیلی به‌تدریج تضعیف شده است.

امروز معیارهایی مانند انتشار کریز، شفافیت زنجیرد تأمین، تنوع نیروی انسانی و اثرات اجتماعی سرمایه‌گذارانی به شاخص‌های اصلی ارزیابی CSR تبدیل شده‌اند. این تغییر تصویب شده‌اند. آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی نیز اگر قرار است به ابزاری برای توسعه پایدار تبدیل شود، باید از قفسه‌های بایگانی خارج شده و در میدان عمل سنجیده شود؛ جایی که سزوشود واقعی هر سیاست عمومی تعیین می‌شود.

این تغییر، اگرچه در نقاط مختلف جهان با سرعت‌های متفاوتی رخ می‌دهد، اما جهت آن روشن است. CSR در حال تبدیل شدن از یک ابزار ارتباطی به یک مؤلفه حکمرانی اقتصادی است؛ تغییری که شاید مهم‌ترین تحول در رابطه میان کسب‌وکار و جامعه در دهه اخیر باشد.

اولیه آقای /خانم (حسین کونانی)

۷- برابری تقاضای آقای/خانم (هاشم قبادی کوره خسروی) فرزند (مستعلی) نسبت به ۶) دانگ

آقای /خانم (برزوادینه وند)

۵- برابری تقاضای آقای/خانم (محمد حیدری) فرزند (رضا قلی) نسبت به ۶) دانگ از شش‌دانگ یک

باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۶۷/۵،۹۶)

مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۱) فرعی (۹۳) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت

ملک کوه‌دشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای /خانم (برزوادینه وند)

۶- برابری تقاضای آقای/خانم (هاشم قبادی کوره خسروی) فرزند (مستعلی) نسبت به ۶) دانگ

از شش‌دانگ یک باب /قطعه زراعی) به مساحت

اولیه آقای /خانم (حسین کونانی)

۹- برابری تقاضای آقای/خانم (ابودر رستگاری فرد) فرزند (موسم بگ) نسبت به ۶) دانگ از

۵۵ فرعی آقای شعبان ابراهیمی پور فرزند ابراهیم در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۶۳٫۳

۵۶ فرعی آقای حامد زارعی جمال اباد فرزند چراغ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۲۱٫۴

۵۷ فرعی آقای اسماعیل ناروشی شه بابا فرزند علی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۱۳۹٫۸۲

۵۸ فرعی آقایان برغلی، عزیزجعفر ابراهیم همگی جرجندی پور، فرزندان مراد دریک سهم مشاع از چهار سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۰۶٫۳

۵۹ فرعی آقایان دادخدا، دادمدار، دادخدا و حسین همگی اکبری گنج آباد فرزندان محمد دریک سهم مشاع از چهار سهم شش‌دانگ (باسویه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۳۱ متر مربع

۶۰ فرعی خانم ماه منیر زابلی طراذه فرزند محمدرضا در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۸۱٫۳۹

مترمربع ۶۱ فرعی آقایان مرتضی ،مصطفی ،مسعود ،مسلم ،محمد حسین همگی زابلی طراذه فرزندان محمدرضا در یک سهم مشاع از پنج سهم شش‌دانگ (باسویه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۸۳۴٫۲ متر مربع

۶۲ فرعی آقای شعبان ابراهیمی پور فرزند ابراهیم در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۱۹٫۴۶

مترمربع ۶۳ فرعی موسی مالدار دستکردی فرزند بدیل در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۱۳۲۸ مترمربع

۶۴ فرعی آقای یوسف ناروشی شه بابا فرزند علی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۵۳۶٫۶۹ مترمربع

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی شهرستان

کوه‌دشت ـ سری (۵۵۹) جمعی

ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود رایه مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱- برابری تقاضای آقای/خانم (مصیب قاسمی) فرزند (تیمور) نسبت به ۶) دانگ از شش‌دانگ یک

باب/قطعه باغ) به مساحت (۳۸۵۶) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۲) فرعی از (۱۰)

اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوه‌دشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای /خانم (چراغعلی آدینه وند)

۲- برابری تقاضای آقای/خانم (مهرداد حیدری) فرزند (رضا قلی) نسبت به ۶) دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۶۳/۵۸۵،۶۳) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۱) فرعی

نوبت دوم



آراء صادره هیات موضوع

قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های

فاقد سند مستقر در واحد

ثبتی کوه‌دشت تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان، لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت‌اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک

نوبت دوم



آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر آراء صادره بدون جلب نظر کارشناس هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهنوج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان بشرح ذیل محرز گردیده است:

فرعیات ذیل از پلاک ۴۲ - اصلی واقع در بلگی شهر قلعه گنج قطعه چهار بخش ۴۶ کرمان

۲۸ فرعی آقایان بهزاد،ابوالفضل ،جواد ،رضا همگی زارعی جمال آباد فرزندان درویش در یک سهم مشاع از چهار سهم شش‌دانگ (باسویه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۶۱٫۶۸ مترمربع

۳۲ فرعی آقایان کرامت جرجندی پور فرزند مراد در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۴۴٫۸۵ مترمربع

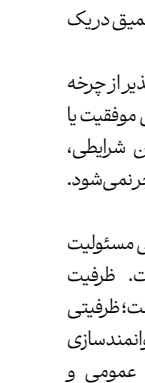
۳۱ فرعی خانم پری چکن فرزند رحمدل در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۰۵۸۰٫۶۲ مترمربع

۳۲ فرعی آقای اسلام زابلی طراذه فرزند محمد در شش‌دانگ

یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۶۱٫۶۸ مترمربع (باسویه

۳۳ فرعی آقایان عنایت ناروشی طراذه فرزند حسن وعلیرضا جرجندی پور فرزند محمد در در یک سهم از دو سهم

روزنامه



تازمانی که سنجش

اثربخشی به بخشی

جدایی‌ناپذیر از

چرخه مسئولیت اجتماعی

تبدیل نشود

امکان تشخیص موفقیت

یا شکست پروژه‌ها

وجود نخواهد داشت

در چنین شرایطی

تخصیص منابع بیشتر

نیز الزاماً به توسعه بیشتر

منجر نمی‌شود

روزنامه

مسئولیت اجتماعی

شرکت‌ها در سال ۲۰۲۶

از سطح روایت‌سازی

واقدمات تبلیغاتی

فاصله گرفته و به سمت

حکمرانی داده‌محور

گزارش‌دهی قابل

راستی‌آزمایی و سنجش

اثرات اجتماعی

وزیست محیطی

حرکت کرده است

ایستادن و بلوچستان |

مدیریت انرژی در آب و فاضلاب

سیستان و بلوچستان

مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب سیستان و بلوچستان مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی را ضروری ملی برای پایداری خدمات، کاهش هزینه‌ها و افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌های حیاتی دانست.
فرهاد سرگلزایی در همایش مدیریت مصرف انرژی گفت: به‌توجه‌به تأکید رئیس‌جمهور بر ارتقای بهره‌وری واصلح الگوی مصرف در دستگاه‌های اجرایی، مدیریت انرژی امروز به یک مطالبه ملی تبدیل شده و همه نهادها باید در این زمینه پیش‌گام باشند.

وی افزود: در شرکت آب‌وفاضلاب نیز مدیریت انرژی باید به‌عنوان یک مسئولیت‌سازمانی و حرفه‌ای دنبال شود، زیرا صنعت آب‌وفاضلاب در بخش‌های انرژی کشور است و هرگونه کاهش مصرف انرژی، علاوه بر صرفه‌جویی اقتصادی، به پایداری خدمات و افزایش توان تأسیسات در شرایط بحرانی کمک می‌کند.

سرگلزایی تأکید کرد:مدیریت انرژی فقط یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه بخشی از مسئولیت اجتماعی در قبال منابع ملی و سدهای آینده به شمار می‌رود. به گفته او، استفاده از فناوری‌های نوین، پایش مستمر مصرف، بهینه‌سازی فرایندهای بهره‌برداری، نگهداری اصولی تجهیزات و اصلاح الگوی مصرف در ساختمان‌ها و تأسیسات از مهم‌ترین راهکارهای ارتقای بهره‌وری در این شرکت است. وی همچنین گفت توسعه پایدار بدون توجه به بهره‌وری منابع ممکن نیست و مدیریت انرژی یکی از مؤثرترین ابزارهای کاهش هزینه‌های عملیاتی به شمار می‌رود. او در پایان خواستار شراکت مدربران و کارکنان در ارائه ایده‌های نوآورانه برای صرفه‌جویی و نهادینه‌سازی فرهنگ بهره‌ری شد.

پیام ایران

سیستان و بلوچستان |

حقوق عامه در کانون اقدامات قضایی زاهدان

ابوالفضل احمدزاده، معاون دادستان زاهدان، از انتشار سه اثر مکتوب در حوزه حقوق عامه با رویکرد «جهاد قضایی ذیل جهاد تبیین» خبر داد. این آثار که طی سال‌های ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۴ تدوین شده‌اند، به طور تخصصی به احیای حقوق عامه، پیشگیری از وقوع جرم و مسائل خاص سیستم‌سیاست و بلوچستان می‌پردازند.

کتاب «توان‌شناسی حقوق عامه، از احیا تا پیشگیری از وقوع جرم» یکی از این مستندات است که باهدف بهره‌برداری علمی و دانشگاهی در اختیار مراکز آموزشی، از جمله دانشگاه سیستان و بلوچستان قرار گرفته تا به‌عنوان منبعی مطالعاتی برای پژوهشگران مورد استفاده قرار گیرد.

احمدزاده با اشاره به اینکه بسیاری از اقدامات قضایی در این حوزه کمتر رسانه‌ای شده‌است، محورهای اصلی فعالیت دستگاه قضایی استان را ارتباط مستقیم با مردم، پیگیری مطالبات عمومی، مقابله با آسیب‌های اجتماعی و حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری عنوان کرد. وی همچنین از تشکیل «قرارگاه احیای حقوق عامه» باهدف انسجام‌بخشی به اقدامات دستگاه‌های مسئول خبر داد.

معاون دادستان زاهدان با تأکید بر لزوم همکاری بین‌بخشی برای حل مسائل اجتماعی، خدماتی و بهداشتی، نقش رسانه‌ها را در تبیین گفتمان حقوق عامه و افزایش آگاهی عمومی بسیار حیاتی دانست. این تلاش‌ها می‌تواند «حقوق عامه» را به یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی استان تبدیل کند. گفتنی است سیستان و بلوچستان با بیش از سه میلیون و ۳۲۷ هزار نفر جمعیت، به دلیل برخورداری از ۷ درصد جمعیت زیر ۳ سال، جوان‌ترین استان کشور محسوب می‌شود.

گرامیداشت روز ملی معدن در همدان

تأکید بر اجرای طرح تحول اکتشاف و توسعه زنجیره ارزش معدنی کشور

معاون امور معدن و صنایع معدنی وزارت صمت گفت: بخش معدن با ۱۴ میلیارد دلار صادرات سالانه، یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد کشور است و اجرای طرح تحول اکتشاف می‌تواند مسیر توسعه این حوزه را دامن‌خول کند.
به گزارش پیام ما وجبه‌الله جعفری، معاون امور معدن و صنایع معدنی وزارت صمت، در آیین گرامیداشت روز ملی معدن در همدان که به همت خانه معدن استان و با همکاری اداره کل صمت و اتاق بازرگانی برگزار شد، اظهار کرد: بخش معدن یکی از ارکان مهم اقتصاد ملی است و برای بازسازی و توسعه آن، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری هدفمند و همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی هستیم. او با اشاره به اینکه زنجیره تأمین و صنایع وابسته به معدن سالانه حدود ۱۴ میلیارد دلار صادرات دارند، افزود: این میزان صادرات نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده معدن در ایجاد ارزش افزوده، اشتغال‌زایی و تقویت تولید ملی است.

جعفری با اشاره به جایگاه ایران در ذخایر معدنی جهان گفت: ایران رتبه پنجم ذخایر مس جهان را در اختیار دارد و با ادامه اکتشافات جدید، امکان ارتقای این جایگاه وجود دارد. وی با تأکید بر اینکه «طرح تحول اکتشاف» در سطح ملی در حال اجراس‌ت، افزود: این طرح باهدف شناسایی دقیق‌تر ذخایر توسعه فناوری‌های نوین و

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۹۱	رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای /خانم محمد قربانیاں کردآبادی به شناسنامه شماره ۱۵ و شماره ملی ۱۲۹۱۳۰۱۱۹۱ صادره اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۵۳	رئیس ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای / خانم مرتضی قربانیاں کردآبادی به شناسنامه شماره ۶۴ و شماره ملی ۱۲۹۱۳۰۱۱۹۱ صادره اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۶۹۲	رئیس ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای / خانم مرتضی قربانیاں کردآبادی به شناسنامه شماره ۱۵ و شماره ملی ۱۲۹۱۳۰۱۱۹۱ صادره اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۰۷	رئیس ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای / صادره اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۶۲	رئیس ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای / خانم اسماعیل قربانیاں کردآبادی به شناسنامه شماره ۶۴ و شماره ملی ۱۲۹۱۳۰۱۱۹۱ صادره اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۶۲	رئیس ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای / خانم مرتضی قربانیاں کردآبادی به شناسنامه شماره ۱۵ و شماره ملی ۱۲۹۱۳۰۱۱۹۱ صادره اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۰۷	رئیس ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی



اصفهان |

توسعه شهرک‌های صنعتی اصفهان

شتاب گرفت

محمدجواد بگی، مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی اصفهان، از رشد چشمگیر و سه برابری جذب سرمایه در شهرک‌های صنعتی این استان در سال جاری خبر داد. وی با اشاره به افزایش درآمدهای حاصل از جذب سرمایه به ۱.۳ هزار میلیارد تومان (همت) در سال گذشته به چهار همت در سال جاری، عامل اصلی این جهش اقتصادی را توسعه ۵۰۰ هکتاری شهرک‌های صنعتی «تقاضامحور» و استقبال گسترده سرمایه‌گذاران از زیرساخت‌های فراهم‌شده عنوان کرد.

طبق برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته برای سال ۱۴۰۵، روند صعودی جذب سرمایه تداوم خواهد داشت و پیش‌بینی می‌شود میزان سرمایه‌گذاری نسبت به سال گذشته رشد ۷۰ تا ۸۰ درصدی را تجربه کند. همچنین، با بهره‌برداری کامل از طرح‌های توسعه‌ای، ظرفیت اشتغال‌زایی بالغ بر ۵ هزار نفر طی ۵ سال آینده برآورد می‌شود.

بگی با تأکید بر اینکه اشتغال‌زایی به‌صورت تدریجی محقق خواهد شد، تصریح کرد که در شهرک‌هایی با نرخ بهره‌برداری بالا، هر هکتار توانایی جذب نیروی کار قابل‌توجهی را دارد. وی همچنین با اشاره به تنوع صنایع، از ورود سرمایه‌گذاری‌های کلان (صنایع سنگین مانند پتروشیمی با مقیاس بالای ۱۰۰ میلیون دلار) به‌عنوان عاملی برای افزایش میانگین حجم سرمایه‌گذاری در استان یادکرد. به گفته وی، تنها در دو ماه نخست سال جاری، شد حجم قراردادهای منعقد شده نسبت به مدت مشابه سال قبل بسیار چشمگیر بوده که نویدبخش آینده‌ای روشن برای صنعت اصفهان است.

همدان |

با اشاره به تدوین «نقشه تحول و پیشرفت استان» افزود: اولویت‌های اصلی اداره کل صمت شامل مطالعات ژئوفیزیک، تسهیل سرمایه‌گذاری و توسعه صنایع پایین‌دستی و فرآوری است.
محمدی با تشریح اقدامات انجام‌شده گفت: تجهیز پهنه‌های معدنی، احیای معادن کوچک‌مقیاس و توسعه صنعت گوه‌رسنگ‌ها از اهداف راهبردی ماست. او افزود: با جذب اعتبارات حمایتی و برگزاری دو دوره مزایده تخصصی، تاکنون ۱۵ معدن غیرفعال به چرخه تولید بازگشته و هدف‌گذاری برای فعال‌سازی ۹۹ معدن دیگر در دستور کار قرار دارد. وی در پایان خاطرنشان کرد: با احصای دقیق فرصت‌های سرمایه‌گذاری در تمامی شهرستان‌های استان، اکنون زمینه‌های لا بخش خصوصی و جهش تولید در بخش معدن همدان فراهم شده‌است.



نمایندی می‌کند. این جایگاه، سمتی سیاسی و مدیریتی در سطح عالی حکمرانی است که توسط شهرداران شهرهای غصوه‌هدا می‌شود.

مظاهری‌زاده تأکید کرد حضور در این سطح از تعاملات علاوه بر ارتقای برند شهری شیراز فرصت‌های بی‌نظیری برای ارائه دستاوردهای مدیریت شهری در سطح جهانی و تسهیل دسترسی به تجربیات ارزشمند شهرهای مدرن فراهم می‌آورد. او خاطرنشان کرد ارزش‌های دیپلماسی شهری کارآمد در نهایت به تقویت قدرت نرم شهر و تأمین منافع ملی می‌انجامد. بر همین اساس، سیاست کلان شهرداری شیراز در این حوزه، اولویت بخشیدن به منافع ملی و پرهیز از رقابت‌های داخلی غیرسازنده در مجامع بین‌المللی، متروپلیس را شیراز اکنون تنها کلان‌شهر ایرانی عضو هیئت‌مدیره اتحادیه شهرهای تاریخی، نایب‌رئیس مجمع شهرداران آسیایی و عضو فعال چندین نهاد بین‌المللی است. این دستاوردها در کنار اقدامات گسترده حوزه دیپلماسی فرهنگی، شیراز را به شهر پیشرو در همکاری‌های فراملی تبدیل کرده است. این موفقیت دیپلماتیک، جایگاه شیراز را در شبکه تصمیم‌سازی مدیریت شهری جهان تثبیت نموده و منزلت جهانی این شهر تاریخی را در میان کلان‌شهرهای اگ‌فردار ارتقا می‌بخشد. این روند می‌تواند منجر به توسعه پایدار گردد.

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای /خانم اسماعیل قربانیاں کردآبادی، به شناسنامه شماره ۶۴ و شماره ملی ۱۲۹۱۳۰۱۱۹۱ صادره اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۹۹	رئیس ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای / خانم اسماعیل قربانیاں کردآبادی، به شناسنامه شماره ۶۴ و شماره ملی ۱۲۹۱۳۰۱۱۹۱ صادره اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۶۶	رئیس ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۳	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای / خانم مصطفی قربانیاں کردآبادی به شناسنامه شماره ۱۱۸ و شماره ملی ۱۲۸۳۹۸۷۳۱ صادره اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۲۹	رئیس ثبت‌اسناد و املاک حمیدرضا خسروی

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌انته خدشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صدیان
دبیر عکس: یاسر خدشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی
دبیر گزارش: مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری: فرزانه قبادی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: زهرا علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتنیست: مجتبی‌ت ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: حمزه زز
اداری: فاطمه آقامالیبی، شیواکومی

رتبه روزنامه پیام ما: ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوماً دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰ / تلفن: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰
شماره نامبر: ۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵ / مدیرومسئول: داخلی ۴
برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما: www.payame.ma.ir/akhlagh
۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴ @payamema
www.payame.ma.ir @payamema

ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com / ایمیل تحریریه: khabar.payamema@gmail.com

به بهانه انتشار ویدیوی تولد ۹۰ سالگی «یوجینیو باربا»

گروه تئاتر «اودین»، نهادسازی واکوسیستم فرهنگی

انتشار ویدیوی پیام تولد ۹۰ سالگی «یوجینیو باربا»، کارگردان شناخته‌شده ایتالیایی، در فضای مجازی بعضی فعالان تئاتری ایران، بهانه‌ای به دست داد برای نوشتن درباره یکی از مهم‌ترین فیگورهای تئاتر قرن بیستم؛ هنرمندی که با همراهی گروه خود موفق شد یک مکان نسبتاً کوچک فرهنگی را به اکوسیستمی ملی و جهانی بدل کند و این امکان را برای شش دهه در خدمت نسل‌های گوناگون درآورد.



بابک احمدی ا

روزنامه‌نگار

یوجینیو باربا» متولد ۱۹۳۶، کارگردان برجسته ایتالیایی و بنیان‌گذار گروه تئاتر «اودین» (Odin Teatret) است. باربا که با دیدی «تجربی» و «انسان‌شناختی» به تئاتر می‌نگرد، فعالیت‌های هنری خود را از دهه ۱۹۶۰ آغاز کرد و همچنان به‌عنوان رهبر گروه اودین ایفای نقش می‌کند. او در سال ۱۹۶۴ گروه را در اسلو تأسیس کرد و سه سال بعد، در سال ۱۹۶۶، با دعوت شهرداری هولشتروبه دانمارک نقل مکان کرد. در آن زمان هولشتروبهیچ ساختمان تئاتری نداشت و شهرداری یک مزرحه قدیمی را در اختیار گروه گذاشت تا اصطیل آن را به حدافقی و مبلغ ناچیز حمایت مالی اولیه باعث شد تئاتر اودین بتواند تمرین و اجراهای خود را ادامه دهد و تا سال ۱۹۸۰ به مقام «تئاتر منطقه‌ای» دست یابد. این‌گونه بود که یک گروه فاقد بنیان نهادی مشخص، با کمک شهرداری و انکا به برنامه‌ریزی بلندمدت خود، نهادی فرهنگی بناکرد و به فعالیت مداوم در عرصه بین‌الملل پرداخت.

در ایران معاصر، دست‌کم دو سه نمونه مرتبط با امکانات دولتی وجود دارد که با تلاش هنرمندان از مکانی مطروح به سرپنهایی برای تجربه‌های تئاتر بدل شدند، اما هرکدام سرنوشت متفاوتی تجربه کردند که می‌توان در گزارشی جداگانه به آن‌ها پرداخت. یکی سالن «خورشید» مجموعه تئاترشهر بود که با حمایت حسین پاکدل، مدیر وقت، از دل یک انبار دیزل و گازوییل بیرون آمد و دیگری

ویژگی‌های هنری

باربا با الهام از تئاتر تجربی قرن بیستم، از میزوهولد و گروتوفسکی تا تئاتر مردمی شرق آسیا، و نیز عناصر فرهنگ عامه، تئاتری بینارشته‌ای و بین‌فرهنگی ارائه می‌دهد. آثار او معمولاً نشان‌دهنده سنتزی عملی از روش‌های اجرایی جهانی هستند که تفاوت‌های فرهنگی را در هم می‌آمیزند.

باربا در نمایش‌های خود از استعاره‌های فشرده و تحولات نمایشی شگفتی‌آور بهره می‌برد. تئاتر او در نوع خود شاعرانه است، روایت‌هایش بر «حقیقت تجربه‌های درونی بازیگران» متکی‌اند و با پنهان‌کاری روایی و نوعی مینیمالیسم، مخاطب را درگیر می‌کنند.



حاشیه

چرا تئاتر گران و کم‌درآمد است؟

تئاتر در بسیاری از کشورهای جهان، از ایالات متحده و بریتانیا گرفته تا فرانسه، آلمان و ژاپن، همواره با مسئله تأمین منابع مالی روبه‌رو بوده است. این چالش محدود به کشورهایی با اقتصاد ضعیف یا در حال توسعه نیست؛ بلکه حتی در جوامعی با زیرساخت‌های فرهنگی عمومی و خصوصی، به سختی می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهند. اما چرا تئاتر، برخلاف بسیاری از حوزه‌های اقتصادی، همواره درگیر بحران مالی است؟

اقتصاددانان پاسخ این پرسش را در ماهیت ذاتی هنرهای نمایشی جست‌وجو می‌کنند. نقطه آغاز این نگاه به سال ۱۹۶۶ بازمی‌گردد؛ زمانی که ویلیام بامول و ویلیام بوون در کتاب مشهور Performing Arts: The Economic Dilemma نشان دادند که مشکلات اقتصادی

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم

شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان کرمان به شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۲۰۰۷۵ شهرستان کرمان

به اطلاع کلیه اعضای محترم اتحادیه / شرکت تعاونی می‌رساند که جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم این تعاونی در ساعت ۴ عصر روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ در محل دفتر شرکت واقع در کرمان - ایودر جنوبی کانون ریحانه تشکیل می‌گردد از سهامداران دعوت می‌گردد که راس ساعت مذکور در جلسه مجمع حضور بهم رسانند.

*ضمناً اعضائی که مایلند حق حضور و رای دادن در مجمع را به نماینده تام‌الاختیار واگذار نمایند تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ با اتفاق نماینده خود جهت تأیید برگ نمایندگی به محل دفتر شرکت مراجعه نمایند.

دستور جلسه:

- تمدید مدت فعالیت شرکت تعاونی

هیئت مدیره تعاونی مسکن فرهنگیان

فراغت از تمرین‌های بدنی، برای مردم محلی نان بپزند؛ پرفورمنسی برای برقراری ارتباط مستحکم‌تر و عمیق‌تر با جامعه کوچک پیرامون. گروه بعدها اتاق‌هایی برای اسکان مهمانان مهیا کرد که مسئولیت ريق‌ووقفق امور و آشپزی برای مهمان‌ها را نیز برعهده اعضا گذاشت. آن‌ها به این ترتیب موفق شدند برای خوراک و بهداشت اتاق‌ها پول دریافت کنند و صندوق مالی خود را توسعه دهند.

در سال ۱۳۵۹ خورشیدی، برابر با ۱۹۸۰ میلادی، اودین به‌عنوان «تئاتر منطقه‌ای» دانمارک شناخته شد. این نشان‌دهنده نهادسازی موفق گروه بود که در عمل اثر نمایشی تولید کرد و در سراسر جهان به اجرا درآورد. در سال ۲۰۲۶، باربا با گروه خود ۸۷ اجرای صحنه‌ای خلق کرده است که در ۷۲ کشور اجرا شده‌اند. برخی از این اجراها بیش از دو سال تمرین نیاز داشته‌اند. در واقع، اودین به مدلی از تولید رسیده که «متخصص در غیرتخصصی بودن» است؛ گروهی که بدون انکا به تمرکز صرف بر یک ژانر یا مخاطب مشخص و به‌حفظ انسجام و حرفه‌ای‌گرایی دوام یافت.

درس‌ها و پیشنهادها برای ایران

متأسفانه، منابع موجود اطلاعات دقیقی درباره فرایند نهادسازی گروه‌های تئاتری در ایران ارائه نمی‌دهند؛ هرچه بوده، از تلاش‌هایی مقطعی و عمدتاً ناکام‌مانده حکایت دارد که با همدستی و کوتاهی خود جامعه تئاتری ناتمام مانده است. با این حال، بررسی تجربه باربا و تئاتر اودین درس‌های مهمی برای وضعیت تئاتر ایران به دنبال دارد.

آیین‌نامه‌های رسمی ایران نیز تصدیق می‌کنند که گروه‌های تئاتری معمولاً به‌صورت خودجوش شکل می‌گیرند و آسیب‌پذیر و کوتاه‌مدت‌اند و پایداری آن‌ها مستلزم استقرار در مکانی مشخص برای بلندمدت است. در عمل، گروه‌های ایرانی اغلب به مکان‌های موقتی، اجاره‌ای یا ادواری، وابسته‌اند و کمتر از حمایت نهادی بلندمدت برخوردارند. امروز شهرداری تهران ووزارت ارشاد، به جای ارائه خدمات بنیادین به گروه‌های نمایشی و کمک به استقرارشان، از آن‌ها اجاره و مالیات و غیره دریافت می‌کنند تا هنرمندان فقط برای بازای ۲ تا ۳۰ روزه در یک سالن چیزی به مخاطبان خود نشان دهند؛ محصولی که در نتیجه یک فرایند بلندمدت زیستی و مطالعاتی شکل گرفته است. به عبارتی باید گفت دولت، شهرداری و سالن‌داران خصوصی در ایران، تمام گروه‌های نمایشی را به یک زیست قسطی، موقت و کوتاه‌مدت عادت داده‌اند. هم‌زمان، نوک پیکان نقد را می‌توان به سوی خود گروه‌ها، اگر گروه به معنای واقعی وجود داشته باشد، نشان رفت که

چطور به این شرایط تن داده می‌دهند؟ برای مثال، اشاره به انتشار تصویر یک هنرمند ۹۰ ساله صرفاً برای کسب اعتباری گذرا توسط بعضی فعالان تئاتری مصرف می‌شود، اما کسی نمی‌پرسد که مشابه چنین کارگردانی در ایران، چه‌راهی همچون «علی رفیعی» است که سال‌ها برای در اختیار گرفتن چنین امکانی صبر کرد؛ اینکه تلاش خاصی هم کرد یا نه را نمی‌دانم. این هنرمند ۸۷ ساله ایرانی، دهه‌ها برای در اختیار گرفتن یک مکان کوچک فرصت داشت، ولی وضعیت سال‌های اخیر چیزی جز اعتراض‌های مقطعی را یادآور نمی‌شود؛ اعتراض به اینکه چرا من نباید ثابت خودم را داشته باشم و چرا نباید مکانی برای آموزش و انتقال تجربه به نسل جوان در اختیارم قرار گیرد. این در حالی است که در سال‌های اخیر، بعضی هنرمندان و گروه‌های جوان‌تر از او موفق شدند سرپنهایی، هرچند کوچک، برای فعالیت خود برپاکنند.

تجربه تئاتر اودین نشان می‌دهد اختصاص یک

مکان ثابت و همیشگی برای تمرین و اجرا، حتی کوچک، همراه با برنامه‌ریزی بلندمدت و حمایت رسمی، می‌تواند دوام گروه را تضمین کند. در ایران نیز ایجاد سازوکارهای حمایتی می‌تواند به شکل‌گیری یک نهاد پایدار فرهنگی کمک کند؛ چنان‌که در دهه ۷ تلاش صورت گرفت، ولی مثل همیشه با کوتاهی خود جامعه تئاتری به سرانجام نرسید. شهرداری‌ها و نهادهای شهری و دولتی می‌توانند فضا‌های بلااستفاده را به گروه‌های مستقل تئاتر بدهند یا برای استفاده گروه‌های تئاتری بازطراحی کنند. الگوی هولشتربو نشان می‌دهد حتی تخصیص یک «اصطیل کوچک» می‌تواند نقطه آغاز مهمی باشد؛ اما سؤال این است که گروه‌های ایرانی حاضرند به چنین فضایی نقل مکان کنند؟

تأسیس کارگاه‌ها و مدارس بازیگری، مانند کارگاه‌های خانه اودین، و ایجاد انجمن‌های محلی تئاتری می‌تواند حامی توسعه فعالیت گروه‌ها باشد. این مراکز می‌توانند به شبکه‌سازی هنرمندان و به‌اشتراک‌گذاری تجربیات میان گروه‌ها کمک کنند؛ البته در صورتی‌که ذهنیت نهادسازی در میان آن‌ها پررنگ و جدی باشد. ایده‌هایی مانند «تئاتر سوم» باربا، یعنی پرهیز از تکیه بر نهادهای رسمی و جست‌وجوی فعالیت در سطوح مردمی، برای برخی گروه‌های ایرانی می‌تواند الهام‌بخش باشد؛ رویکردی که به‌خصوص در سال‌های بعد از ۱۴۰۱ در تهران رونق گرفت و این روزها خود را برای بازگشت مجدد به عرصه مهیا می‌کند.

در مجموع، گرچه تجربه تئاتر اودین و یوجینیو باربا نتایج بومی و دقیقی برای ایران ارائه نمی‌کند، اما نشان می‌دهد نهادسازی با چشم‌انداز بلندمدت و حمایت از فضا‌های فرهنگی، کلیدهای موفقیت در تئاتر است. توجه به این درس‌ها می‌تواند راه را برای پایداری و شکوفایی گروه‌های نمایشی ایرانی هموار کند. کمترین کاری که شاید فقدان آن همچنان در تئاتر ایران احساس می‌شود، مطالعه روند درونی و سازماندهی گروه‌های کوچک و بزرگ تئاتر در اقصی نقاط جهان و مستندسازی و بررسی جدی فعالیت آن‌هاست؛ موضوعی که به جرئت می‌توان مدعی شد جز انگشت‌شمار گروه‌ها و هنرمندان ما، اکثریت جامعه تئاتری ما حتی گوشه چشمی به آن نشان نداده‌اند.

منابع موجود اطلاعات

دقیقی درباره فرایند نهادسازی

گروه‌های تئاتری در ایران

ارائه نمی‌دهند؛ هرچه بوده

از تلاش‌هایی مقطعی

و عمدتاً ناکام‌مانده حکایت دارد

که با همدستی و کوتاهی

خود جامعه تئاتری

ناتمام مانده است

تعطیلی سه‌روزه اجرای

نمایش‌ها در کشور

ادارکل هنرهای نمایشی با استناد به اعلام شورای ارزشیابی و نظارت بر نمایش، از توقف سه‌روزه اجرای نمایش‌ها در سراسر کشور خبر داد. بر اساس این اطلاعیه، تمامی اجراهای صحنه‌ای از روز شنبه ۱۳ تیر تا پایان روز دوشنبه ۱۵ تیر برگزار خواهند شد و سالن‌های تئاتر در این بازه زمانی میزبان اجراهای عمومی نخواهند بود.

طبق اعلام ادارکل هنرهای نمایشی، فعالیت سالن‌های تئاتر و اجرای نمایش‌ها از روز سه‌شنبه ۱۶ تیرماه، مطابق برنامه‌های از پیش تعیین‌شده، از سر گرفته خواهد شد. در عین حال، این تصمیم شامل همه آثار نمایشی نمی‌شود. نمایش‌های مناسبتی، مذهبی و سوگوارهای مرتبط با ایام عزاداری، با رعایت ضوابط و قوانین محل اجرا، می‌توانند در این مدت به اجرای خود ادامه دهند. این تصمیم هم‌زمان با فرارسیدن ایام سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین(ع) اتخاذ شده و در سال‌های گذشته نیز در چنین مناسبت‌هایی، اجرای آثار غیرمذهبی برای چند روز متوقف شده‌است.

هنرمندان نابینا آغازگر

نمایشنامه خوانی

آثار آیینی و عاشورایی

دومین دورنمایشنامه خوانی‌های تماشاخانه سنکج با موضوع نمایشنامه‌های آیینی و عاشورایی از سه‌شنبه ۹ تیر آغاز می‌شود.

به گزارش روابط عمومی تماشاخانه سنکج، برنامه «ایرانی‌خوانی» روز سه‌شنبه ۹ تیرماه میزبان هنرمندان نابینا و کم‌بینا، به کارگردانی سایه همایی، خواهد بود که نمایشنامه «شب واقعه» محمد عارف رامی خوانند. این نمایشنامه که محمد عارف آن را در سال ۱۳۷۹ نوشته، به سرنوشت خولی پس از بازگشت از کربلا می‌پردازد.

این نمایشنامه خوانی کاری از گروه تئاتر آرشک به سرپرستی مجتبی گوهرخای است که سایه همایی آن را کارگردانی می‌کند. معصومه دیبائیان نیز به‌عنوان دستیار کارگردان و منشی صحنه با این گروه همکاری می‌کند. خوانشگران این اثر حسین رجب‌فردی در نقش خولی، مریم قاسمی‌اقدم در نقش غزاله و مینا دهقانی در نقش حلیمه هستند. سایه همایی نیز شرح صحنه را خواهد خواند.

نمایشنامه خوانی «شب واقعه» با همراهی نوازندگان، سعید یوسفی و حمیدرضا فلاح‌نژاد، اجرایی‌شود. دومین دور «ایرانی‌خوانی» سنکج با حضور پنج نمایشنامه به قلم پنج نمایشنامه‌نویس از نسل‌های مختلف تئاتری طراحی شده‌است.

«ایرانی‌خوانی» سنکج سه‌شنبه هر هفته ساعت ۱۷ در کافه‌تئاتر و سالن انتظار تماشاخانه سنکج برگزار می‌شود. این برنامه بلیت‌فروشی ندارد و حضور برای عموم علاقه‌مندان آزاد و رایگان است.

برپایی «تئاتر گالری» برای

حمایت از کودکان پروانه‌ای

«فرانکل در دوزخ سارتز» به کارگردانی دانیال ضیابخش و تهیه‌کنندگی مازیار دیلمی از روز دوشنبه، هشتم تیر در بلک‌باکس ایران‌مال به روی صحنه می‌رود. «فرانکل در دوزخ سارتز» اقتباسی از «دوزخ» ژان پل سارتر است و با این پیام اجرایی‌شود که «جهنم دیگران‌اند؛ جایی‌که شما داناتماً در معرض قضاوت دیگرانید. در دوزخ هستید.»

به نقل از مشاور رسانه‌ای این نمایش، «فرانکل در دوزخ سارتز» به دنبال کشف دوزخ است و بازیگران حرکت، با ایجاد فضایی از رعب وحشت روانی، فضایی می‌سازند که بر صحنه تئاتر ایران پیش از این تجربه نشده است. این نمایش در ژانر سایکودرام و وحشت روان‌شناختی، از هشتم تیر به مدت ۴۰ شب، از ساعت ۱۸ تا ۱۹:۳۰ روی صحنه خواهد بود.

در حاشیه اجرای این نمایش، نخستین «تئاتر گالری» حمایت از کودکان پروانه‌ای در ایران نیز برپا خواهد شد. دانیال ضیابخش دیلمی، صوفیا بوالحسنی، محیا اورعی، امیرحسین شعبانی، محمدرضا پیشخوانی و حمید صالحی‌یوسف‌آباد بازیگران اصلی این نمایش هستند. ا ایرنا

آگهی مفقودی

برگ سبز اتومبیل هاج بک Reera. رنگ تفره‌ای تیتانیوم مدل ۱۴۰۵ به شماره موتور 153H0301005 شماره شاسی NAAV1CHJHETDP11795 به شماره پلاوی ایران ۹۳-۲۶۹۹-۵۱ به مالکیت طاهره جلالی خالص به کد ملی ۱۲۸۷۲۹۸۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصفهان